

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی (مطالعه موردی: شهر رشت)*

مهسا صفرنژاد^۱

امیررضا کریمی آذری^۲

حمزه غلامعلی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹

چکیده

حفظ هویت در طراحی محیط ساخته شده و تجلی آن در بناهای امروزی از مهم‌ترین اهداف طراحان است. اما فرآیند جهانی شدن امکان هویت‌یابی بومی را کاهش داده، موجب بحران هویت و معنا در معماری معاصر شده و پیامدهایی چون عدم تعلق به مکان و کاستی‌های روان‌شناختی را در پی داشته است. در تحقیق حاضر از روش توصیفی و پیمایشی استفاده شد، که به یافتن متغیرهای مؤثر در ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان پرداخته شد. در ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای مؤلفه‌های مؤثر پژوهش استخراج گردید و به صورت چهارچوب نظری تدوین گردید. جامعه آماری تحقیق شهروندان شهر رشت و نمونه مورد تحقیق ۴۰۷ نفر می‌باشد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات میدانی پرسشنامه بسته پاسخ می‌باشد که بعد از اعتباریابی مورد استفاده قرار گرفت. نهایتاً با تحلیل پاسخ‌ها به وسیله نرم‌افزار «اس. پی. اس. اس»^۴ و استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، واریانس و رگرسیون رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تحلیل شد. مطابق یافته‌های تحقیق، با ایجاد نفوذپذیری، غنای حسی، توجه به نمای ساختمان‌ها، نمادها و نشانه‌های بومی، خوانایی در فرم کالبدی و توجه به زمینه در طراحی، می‌توان موجب ارتقای هویت محیط و افزایش حس تعلق شهروندان گردید.

واژه‌های کلیدی: هویت، معماری، مؤلفه‌های ارتقا هویت، حس تعلق به مکان.

*. مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی معماری مرکز اداری آموزشی پژوهشی و حفاظتی میراث فرهنگی شهر رشت در جهت ارتقا هویت و افزایش حس تعلق شهروندان با تأکید بر نمادها و نشانه‌های معماری بومی» استخراج شده است.

mahsa.safarnejad@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، پردیس دانشگاه گیلان، رشت

amirreza_karimiazari@guilan.ac.ir

۲. استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت (نویسنده مسئول)

h.gholamalizadeh@guilan.ac.ir

۳. استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت

4. Spss

تنوع گرایی، کثرت گرایی، التقاط و تعدد دیدگاه‌ها از اصلی‌ترین شاخص‌های معماری معاصر در دهه‌های اخیر است، که گرایش به سمت دیدگاه جهانی‌گرا دارد و با جدایی و انفصال از گذشته و تاریخ به سوی معماری جهانی می‌رود (ابراهیمی و اسلامی، ۱۳۸۹: ۴). در این فرایند با توجه به خصلت طبیعی سازگاری‌پذیری انسان با شرایط جدید، بیم آن می‌رود که این تحولات مدام باعث شود جوامع هویت واقعی و بومی خود را از دست بدهند (کاوسی و حسین‌زادگان، ۱۳۸۹: ۲). بر این اساس، سکونت‌گاه‌های انسانی نیز به سرپناهی موقت، بدون معنا و بی‌ثمر که کارکرد راستینش - مامن و مأوا بودن - را از دست داده و منجر به ایجاد بیگانگی شده، تقلیل یافته‌اند که پیامدهایی چون از دست رفتن حس تعلق، عدم وابستگی و عدم خودباوری را به همراه خواهد داشت (تابان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹) و موجب کاهش توانایی و اعتماد به نفس شهروندان می‌گردد (لالی، ۱۹۸۸: ۳۳۱-۳۰۳). جامعه ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در این شرایط معماری و شهرسازی رسالت دارد تا ارزش‌های کهن فرهنگی را در درون خویش پاس دارد و بر این اساس عنصری هویت‌بخش در ساختار فرهنگی شمرده شود، چنانکه همگونی فرهنگ و معماری در آثار معماری جهان مشاهده می‌شود (اردلان، ۱۳۷۴: ۱۸-۱۵)؛ معماری امروز و فردای ما نمی‌تواند بی‌رابطه با معماری گذشته و فرهنگمان باشد، همچنین روانشناسان بر نقش عظیم متغیرهای فرهنگی در شکلدهی به شناخت و ادراک انسان توجهی ویژه کرده‌اند (شکری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۸). اما اینکه چگونه و با به‌کارگیری چه مؤلفه‌هایی، هویت بومی و فرهنگی هر منطقه در محیط ساخته شده تجلی یابد، پرسشی است که این مقاله سعی دارد بدان پاسخ دهد. در این راستا لزوم یافتن معنای هویت و مؤلفه‌های آن کاملاً محسوس است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲۴-۱۱) و بررسی مفهوم هویت از منظر برخی صاحب‌نظران می‌تواند و در نهایت آزمایش آن بین مردم شهر در این راستا راهگشا باشد، چرا که بررسی ارزشها، رفتارها و سبک زندگی شهروندان بهترین گزینه برای یک پژوهش علمی می‌باشد (همتی و شبیری، ۱۳۹۴: ۱۹۹).

تعریف و معنای هویت نزد صاحب‌نظران

در لغت‌نامه دهخدا هویت چنین تعریف شده است: «هویت عبارتست از تشخیص که گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌شود و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت از حقیقت جزئی است. هویت مرتبه



ذات ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن» (دهخدا، ۱۳۴۳: ۳۴۹). در فرهنگ معین هویت به ذات باری تعالی، هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد معنی شده است، یعنی آنچه باعث تمایز فرد از دیگری شود. از این رو هویت در خلأ مطرح نمی‌گردد بلکه الزاماً یک خود وجود دارد و یک غیر و گرنه شناسایی معنا پیدا نمی‌کند (میرمقتدایی به نقل از کاردان، ۱۳۸۳: ۳۲). همچنین در تعریفی دیگر آمده است: «هویت عبارت است از حقیقت جزئی، یعنی هرگاه ماهیت با تشخص لحاظ شود، و گاه به معنای وجود خارجی است و مراد تشخص است و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است» (معین، ۱۳۷۸: ۵۲۲۸). در زبان انگلیسی و فرانسه لفظ «identity/ identite» به‌عنوان معادل هویت به‌کار می‌رود که در فرهنگ بریتانیکا واجد دو معنی منطقی به معنی «این‌همانی» و روان‌شناسی «شخصیت، تشخص، خود واقعی» است (پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۹۰: ۷۸).

هویت در تعریف متداول احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند. هویت به معنای احساس تعلق و این‌همانی با محیط در نظر گرفته شده و معیارهایی چون احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی به‌منظور ارزیابی هویت تدوین شده‌اند (دانش‌پور، ۱۳۷۹: ۲۵). فرد با حضور و رشد یافتن در جمع، علاوه بر آنکه دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط مشخص با دیگران می‌گردد، با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شود، هویت جمعی می‌یابد و با مجموعه این مسائل دارای تاریخ مشترک می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

آنچه اثری را در نگاه عموم با هویت یا بی‌هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم‌تعلق آن به هویت جمعی و پایدار است. در این نگاه اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد، همچون یک بنای تاریخی در یک بافت تاریخی، و اثر بی‌هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی باشد، مانند یک بنای مدرن در یک بافت تاریخی (حجت، ۱۳۸۴: ۵۶).

اهمیت هویت جمعی تا آنجاست که اگر فرد در اجتماعی قرار گیرد که نتواند خود را جزئی از آن به حساب آورد، قادر به تثبیت هویت شخصی خود نیست. یکی از دلایل احساس رهاشدگی و مطرود بودن مهاجران در جامعه‌ای که به آن وارد می‌شوند، انقطاع میان هویت شخصی آنها و هویت جمعی و اجتماع است، زیرا هویت معین و منسجم در چارچوبی خاص قرار می‌گیرد که دارای محدودیت‌های مشخص است و این محدودیت‌ها تا حد زیادی توسط اجتماع تعریف می‌شود.





جامعه‌شناسان مفهوم هویت را دو بخش می‌دانند؛ اول، یکی شدن با خود، دوم، مشارکت با دیگران در بعضی از اجزای ذاتی. در واقع فرآیند هویت را یک سیستم کنترل می‌دانند که مجموعه‌ای از هنجارها و ناهنجارها را در فرد به وجود می‌آورد (توماج‌نیا و کاووسی، ۱۳۸۵). احمد اشرف، از جمله صاحب‌نظران اسلامی، هویت را به معنای هستی و وجود می‌داند، چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد، یعنی مجموعه ویژگی‌های فردی و خصوصیات رفتاری که بر اساس آنها فرد به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی شناخته شود و از دیگران متمایز می‌گردد (حجت، ۱۳۸۴). هویت جمعی به احساس مشترک یک جمع، مثل اقلیت‌های قومی و دینی، گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی و... باز می‌گردد. وجود منابع مشترک، همه افراد دارای هویت مشترک را به هم پیوند می‌دهد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲) و هویت بومی گونه‌ای از هویت جمعی است.

استوارت هال^۱ (۱۹۳۲) هویت را یک روند در حال شدن می‌داند که شناسنامه و عامل شناخته شدن است (قطبی، ۱۳۸۷: ۸۱) و عامل تمایز فرد از افراد، شیء از اشیاء و گروه از سایر گروه‌ها به حساب می‌آید. چارلز جنکز^۲ (۱۹۹۷) نیز معتقد است «هویت طبقه‌بندی اشیا و افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر است» (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲-۱۱).

هویت از طریق تشابه ارزیابی می‌شود؛ تشابه با انسان‌هایی مثل ما و تفاوت با آنهایی که مثل ما نیستند. از این رو لغت هویت مستلزم درک دو معنای متضاد است؛ دو معنایی که در تقابل‌های دوگانه در مقابل هم قرار می‌گیرند اما در واقع تکمیل‌کننده یک مفهومند. این دو معنا شباهت و تفاوت هستند؛ شباهت درون‌گروهی در عین تفاوت برون‌گروهی. این کیفیت به مفهوم متباین بودن در عین هماهنگی نیز شباهت دارد و می‌توان آن را «تمایز از غیر و تشابه با خودی» دانست (میرمقتدائی، ۱۳۸۳: ۳۲). به طور کلی، هویت به طور ضمنی بیانگر این حقیقت است که هر پدیده از طریق بروز برخی صفات عینی و ذهنی شباهت خود را با گروهی از اشیاء و تفاوتش را از گروهی دیگر نشان می‌دهد. از این رو هویت عامل شناسایی پدیده در ضمن داشتن دو مفهوم تفاوت و شباهت معرفی و تبیین می‌شود.

۱. Stuart Hall؛ استوارت هال ۱۹۳۲ نظریه پرداز فرهنگی انگلیسی از چهره‌های مؤثر پیشرفت مطالعات فرهنگی در انگلستان (هال استوارت، رمزگذاری و رمزگشایی، ترجمه نیما ملک مهدی، چاپ اول- تهران، ۱۳۸۲) مهسا، طابع، در تکاپوی هویت، سایت روزنامه پیمان ملی، (۲/ ۸/ ۱۳۸۹، access in 10:35) از: www.paymandaily.af/spip.php?article557

۲. Jencks؛ چارلز جنکز تاریخ نگار و منتقد معماری است و میتوان گفت نخستین کسی است که پست مدرنیسم را در معماری مطرح کرد در سال ۱۹۹۷ کتابی به نام «زبان معماری پست مدرن» *guage post Moder the lan Architecture* نوشته است. برگرفته از: <http://www.newdesign.ir>

به‌طور کلی، جامعه‌شناسان هویت را نوعی احساس خود بودن جمعی دانسته‌اند، یعنی با دیگران تفاوت داشتن و در عین پیوند یا حتی آمیختگی، جدایی و فاصله را نگه داشتن (شیخ‌زین‌الدین، ۱۳۷۴)؛ به بیان دیگر، نوعی احساس تعهد و تعلق نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات جامعه که موجب وحدت و انسجام می‌شود (طبسی، ۱۳۸۶: ۳۷۶-۳۶۵).

در حوزه معماری و شهرسازی نیز کریستوفر الکساندر^۱ (۱۹۶۵) هویت را تجسم کالبدی کیفیت‌های بی‌نام در بناها می‌داند، کیفیت‌هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا یا طبیعت بکر هستند، اما نمی‌توان نامی بر آنها گذاشت (الکساندر، ۱۳۸۶: ۴۵۷) هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دلبستگی محیط را به وجود می‌آورد (قطبی، ۱۳۸۷: ۸۱).

بر این اساس و با توجه به ماهیت وحدت‌بخشی و افزایش خودباوری هویت، متغیرهای مؤثر در ارتقای هویت و ارتباط آنها با حس تعلق شهروندان محور مقاله حاضر است. در این راستا می‌توان این فرضیه‌های کلی را مطرح کرد: (۱) به نظر می‌رسد بین ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان با مؤلفه‌های کالبدی محیط رابطه وجود دارد. (۲) به نظر می‌رسد بین ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان با مؤلفه‌های معنایی محیط رابطه وجود دارد. (۳) به نظر می‌رسد بین ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان با مؤلفه‌های عملکردی و جغرافیایی محیط رابطه وجود دارد.

معنا و مؤلفه‌های هویت شهر

از آنجا که هویت مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث تشخیص یک فرد یا اجتماع افراد و جوامع دیگر می‌گردد، شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. هویت در شهر به‌واسطه ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. بنابراین، هر چند هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است اما فرآیند شهروندسازی را تحت تأثیر قرار داده و می‌توان باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد. هویت یک معیار رشد برای

1. Christopher Alexander





شهر است. به عبارت دیگر، وقتی یک شهر یا جامعه رشد می‌کند، بخشی از ویژگی‌های هویتی آن در جریان رشد تغییر کرده و سامان‌دهی جدیدی می‌یابد. در چنین ساختاری باید هویت شهر به‌عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط مطرح شود تا بتواند زمینه‌های مشارکت و امنیت افراد را فراهم کند.

هویت شهری را می‌توان از سه بعد تاریخی (معنایی)، جغرافیایی (کالبدی) و کارکردی مورد بررسی قرار داد. بعد تاریخی پیشینه یک شهر را شامل می‌شود، همچون کارنامه‌ای که به‌شکل مکتوب یا شفاهی نزد ساکنان آن و نزد دیگران ثبت شده و از آن تصویری مطلوب و نامطلوب می‌سازد. سیاست‌گذاران هر شهری باید تصویر مطلوب را حفظ یا تقویت کرده و تصویر نامطلوب را تضعیف نمایند (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲). بعد جغرافیایی شهر به موقعیت جغرافیایی اقلیمی آن مربوط می‌شود که خود از عوامل مهم هویت‌بخش به حساب می‌آید، مثل مقایسه شهرهای شمال و جنوب که سبب ایجاد هویت‌های متفاوتی شده و بر روابط شهری تأثیرگذار است. بعد کارکردی که در برگیرنده کارکردهای مختلف سیاسی، جهانگردی، زیارتی، تجاری، صنعتی است، نیز هویت‌های گوناگونی برای شهرها ایجاد کرده است. البته کارکردهای شهر شکل خالص ندارند و با هم ترکیب می‌شوند، بنابراین در هر شهر با گروهی از کارکردها سروکار داریم که هر یک بنا به مورد، دوره، مناسبت، زمان و مکان خاص و ارتباطاتی که ایجاد می‌شود یا قصد ایجاد آنها را داریم، اهمیت بیشتری می‌یابند یا از اهمیت آنها کاسته می‌شود (همان). بنابراین، شهر محلی است که تعاملات شهری در آن به‌وقوع می‌پوندد و ساکنان احساس تعلق شهروندی نسبت به شهر خود دارند. به عبارت دیگر آنچه یک شهر را می‌سازد هویت شهر و شهروندان است.

الف) هویت در طراحی محیط

هویت توسط محیط طبیعی و واکنش‌های افراد در مکان‌هایی که آنها ساکن هستند، شکل گرفته است و تغییرات آنها را به هم وابسته می‌کند (دورتی^۱، ۲۰۰۶). آشکار کردن تاریخ یک مکان نقش مهمی در هویت‌بخشی آن ایفا می‌کند. مکان‌های عمومی که با تاریخ و فرهنگ شهر عجین شده‌اند، در ذهن ارتباطی میان کاربران و مکان‌ها ایجاد می‌کند. کوشش در جهت حرکت به‌سوی معماری و شهرسازی با هویت پاسخی به نیازهای معنوی انسان‌ها در کنار نیازهای

مادی ایشان است. ضرورت حرکت به سوی این مفهوم در برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور به صورت کلی و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).

به گفته لینچ برای داشتن یک تصویر ذهنی بالنسبه کامل از محیط ساخته شده بهتر است آن را از سه دریچه معنا، عملکرد (کارکرد) و کالبد (صورت) مورد بررسی قرار داد. این سه مقوله به ظاهر متفاوتند ولی بسته به موارد خاص هر یک می‌تواند جزئی از دیگری یا منتج از دیگری باشد (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۸). ولف نیز معتقد است هویت در محیط نتیجه ارتباطات مقابل سه جزء است که در داخل یک مجموعه عمل می‌کند؛ ترکیب ظاهری و کالبدی نماها در محیط (کالبد)، عملکردها و فعالیت‌های قابل مشاهده در محیط (کارکرد) و مفاهیم نمادها (سمبل‌ها) در محیط (معنا) (برزگر، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

ب) مؤلفه‌های کالبدی هویت

هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیتی است که جسم شهر و بنا را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفات باید به گونه‌ای باشند که جسم شهر در عین حفظ تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل باشد و نهایتاً به پیدایش یک کل منجر شود. هویت کالبدی از نظر مفهومی با اصطلاحات «شخصیت» و «حس مکان» مترادف است (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۲۹). به گفته کوین لینچ^۱ اگر بناست طراحی محیط ساخته شده مفید واقع گردد باید قادر باشد از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی، به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری رساند (گلکار، ۱۳۷۹: ۴۳) و چنانچه در محیط و کالبد شهر و بنا هیچ نماد و نشانه‌ای از گذشته وجود نداشته باشد، هویت محیط کم‌رنگ می‌شود (آتشین‌بار، ۱۳۸۸).

معیارهای ارزیابی هویت کالبدی در محیط عبارتند از:

۱) زمینه کالبدی: زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه معین است. در حقیقت دلپذیرترین فضاهای شهری دارای پیوستگی و ریتمی است که به وسیله بناها به وجود آمده اند (یزدانی و مروتی، ۱۳۹۲).

۲) تمایز/ تشابه: به معنای تمایز از غیر و تشابه با خودی (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۷).

۳) تداوم/ تحول: به معنای پیوند با گذشته و عدم انقطاع (تداوم معنی و ارزش های خودی)





در عین نوآوری و خلاقیت با توجه به شرایط زمانه (خود ماندن ولی همان نماندن).
(۴) وحدت/ کثرت: به معنای پیوند میان اجزاء متفاوت، به گونه ای که کنار هم یک کل را به وجود آورند (همان).

(۵) خوانایی (در فرم کالبدی): خوانایی کیفیتی است که زمینه قابل درک شدن یک مکان را فراهم می آورد و می تواند بر چگونگی و سهولت درک مردم از فرصت ها و موقعیت هایی که محیط به آنان عرضه می کند، تأثیر بگذارد (لینچ، ۱۳۸۸: ۱۷۸). بر اساس نظر لینچ، با کمک عناصر راه، لبه، گره، نشانه و محله (حوزه) می توان در محیط خوانایی ایجاد کرد.

(۶) ماندگاری: یعنی آنچه قدرت حیات و زندگی در او وجود دارد و زنده خواهد ماند. در تعریف ماندگاری اولین چیزی که به ذهن متبادر می شود مفهوم ماندن طی زمان طولانی است. الکساندر برای بیان علمی و کالبدی از حیات و ماندگاری در پلان و نما و به طور کلی کالبد بنا، پانزده عامل را بیان می کند که عبارتند از: مقیاس های مختلف، مراکز نیرومند، مرزها، تکرار متناوب، فضای معین، شکل خوب، تقارن موضعی، انسجام و ابهام عمیق، تضاد، درجه بندی، ناهمگونی، پژواک، فضای خالی، سادگی و آرامش درونی، جدایی ناپذیری (الکساندر، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۱۱).

(۷) پایداری: پایدار یعنی با ثبات، با دوام، چیزی که ثابت و برقرار می ماند (پاکزاد، ۱۳۸۱: ۱۰۸).
(۸) نما: لینچ در کتاب سیمای شهر تحلیل تصویر ذهنی شهر را مهم معرفی می کند. ریخت شناسی عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل، تشخیص و هویت شهر را نشان می دهد (کربلایی نوری، ۱۳۸۶). بنابراین، نمای شهر از بارزترین نمودهای شهر است که همیشه در معرض دید ناظر بوده و موجب تداعی خاطره هاست و همین خاطره ها حس تعلق به مکان و در نهایت ایجاد هویت برای شهروندان را تداعی می کند (نصر، ۱۳۸۳: ۷۱).

ج) مؤلفه های عملکردی هویت

کیفیت کارکردی به چگونگی کارکرد یک مکان از نظر اقلیمی و فعالیتی، عوامل اجتماعی ادراکی و تعاملی و اینکه طراحان چگونه می توانند فضای بهتری را طراحی کنند می پردازد. بنابراین، با در نظر گرفتن معیارهای کارکردی در طراحی محیط می توان انتظار خلق محیطی پاسخ دهنده و مردم پسند داشت (عباس زادگان و سربندی فراهانی، ۱۳۹۱). مؤلفه های عملکردی از یک سو در برگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب به محیط و از سوی دیگر، در برگیرنده عملکردهای دیگری همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون، غذا

خوردن و گفتگو، روزنامه خواندن، ملاقات با دوستان و... است تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند (گلکار، ۱۳۷۹). با توجه به این تعریف، معیارهای ارزیابی هویت عملکردی در محیط به‌قرار زیر است:

۱. زمینه اقلیمی: برای اینکه محیطی از نظر عملکردی مناسب باشد لازم است با زمینه اقلیمی که تأثیر خود را در مصالح، رنگ‌ها و بازشوها، فشردگی احجام، فرم و غیره بروز می‌دهد، تطابق داشته باشد (یزدانی و مروتی، ۱۳۹۲).
۲. نفوذپذیری: هرچه میزان برخورداری بلوک از شبکه دسترسی بیشتر باشد، میزان نفوذپذیری بیشتر است (بتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۷).
۳. تنوع: به مجموعه‌ای از کارکردهایی که مکان عرضه می‌کند اطلاق می‌شود (بتلی^۱ و همکاران، ۱۹۸۵).
۴. خوانایی الگوهای فعالیت: سهولت به ذهن سپردن سازمان فضایی هر مکان به‌وسیله مردم (همان).

۵. انعطاف‌پذیری: مکان‌هایی که بتوانند برای منظوره‌های متنوعی به‌کار آیند، در مقایسه با مکان‌هایی که برای کاربری مشخص و محدودی طراحی شده‌اند، حق انتخاب بیشتری را به کاربران عرضه می‌کنند (بتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۷).
۶. گوناگونی: مکان‌های قابل دسترسی و نفوذپذیر زمانی ارزشمند تلقی می‌گردد که بتوانند تنوعی از تجربیات را عرضه بدارند (همان: ۵۹) و زمانی که تنوع و گوناگونی موجود باشد، حق انتخاب مخاطب را افزایش می‌دهد.
۷. سلسله‌مراتب: بسیاری از جنبه‌های طرح نیازمند تسلط بصری است. در ترکیب‌های پیچیده‌تر به‌کارگیری سلسله‌مراتب برای برقراری نظم اجزا با کل ضروری است. سلسله‌مراتب عملکردی در ورودی، راهروها، مسیرها و دیگر شبکه‌های ارتباطی، بر حسب درجه اهمیت آنها یافت می‌شود. این سلسله‌مراتب الگوی بصری ایجاد می‌کنند (سایمون، ۱۳۸۷: ۲۰۲).
۸. سرعت و حرکت: در طراحی فضا باید تناسب لبه‌ها، ویژگی‌های ریتم‌دار یا خطی فضا را طوری تنظیم کرد که سرعت حرکت و ادراک فضا را تحت تأثیر قرار دهد تا با حرکت ناظر در محیط و منظر، تجربه او از فضا به بیشترین حد برسد (قریب، ۱۳۸۲).





۹. تناسب بصری: میزان یا اندازه‌ای که فرم و ظرفیت فضاها با الگوی رفتاری مردم همخوان باشد و مردم تمایل به برقراری ارتباط یا شرکت در تعامل داشته باشند، به مثابه پر بار کردن تجربه هر فرد از شهر، بنا به سلیق و الگوهای رفتاری هر شخص شکل می‌گیرد (لینچ، ۱۹۸۱: ۱۱۸-۱۱۹).

۱۰. غنا: افزایش میزان دل‌پذیری از فضا از طریق تجربه شخصی ناشی از پرداختن به جزئیات در سیمای بصری (بتلی، ۱۹۸۵) و افزایش حس تعلق و تعاملات اجتماعی.

۱۱. تعلق: ناشی از طراحی‌هایی است که باعث می‌شود مردم نسبت به مکان‌هایی که کار و زندگی می‌کنند، احساس تعلق کنند و اثری از خود در آنجا بر جای بگذارند (بتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

۱۲. سرزندگی: میزان یا اندازه‌ای که در آن فرم مکان‌ها از عملکرد، نیازهای بیولوژیکی و ظرفیت انسان حمایت می‌کند (بتلی و همکاران، ۱۹۸۵: ۱۱۸-۱۱۹) و عاملی برای افزایش ادراک از شهر خواهد بود.

۱۳. دسترسی: توانایی برای دستیابی به فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات مکان‌ها یا اشخاص مختلف، شامل کمیت و تنوع عناصر قابل دسترس (لینچ، ۱۹۸۱: ۱۱۸-۱۱۹).

۱۴. نظارت (مشارکت): افراد در حین استفاده از مکان‌ها باید توانایی خلق و اداره دسترسی به فضاها و فعالیت‌ها را داشته باشند (همان). به عبارت دیگر، مردم باید احساس کنند بخشی از محیط به آنها تعلق دارد و محیط باید مشارکت شهروندان را تشویق و حمایت کند (جاکوبز) و آپلی یارد^۱، ۱۹۸۷: ۱۱۶-۱۱۵؛ آپلی یارد، ۱۹۷۹).

د) مؤلفه‌های معنایی هویت

فضاهای شهری مانند هر پدیده‌ای در جهان، دارای فرم و محتوا هستند؛ نه فرمی را بدون محتوا می‌توان تصور کرد و نه محتوایی بدون فرم. محتوا، موضوع، معنی و مفهومی است که در یک پدیده نهفته است و خصلتی دوگانه دارد؛ عینی و ذهنی. جنبه‌های ذهنی و عینی محتوی یک پدیده در کنار یکدیگر نیستند بلکه در هم عجین شده‌اند. در واقع شهرها در کنار وجود کالبدی خود، از منظری ذهنی نیز برخوردارند که با کیفیت بصری منسوب به آنها گره خورده است. لینچ (۱۳۹۲) بر این باور است که شهرها را نباید تنها براساس تصور خود که باید از طریق

1. Jacobs
2. Appleyard

تصور سایرین بنگریم (راو دراد و محمودی، ۱۳۹۴: ۵۴ و ۵۵)، لذا عنصر زیبایی شناختی یک اثر نه فقط در کالبد و فرم بلکه در محتوای آن نیز وجود دارد. عملکرد به طور معمول فایده یک پدیده برای انسان است امام معنا، ارزش مفهوم و پیام (چه عقلی و چه احساسی) یک پدیده است (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۹۶). هر فضایی دارای معنا و محتوایی است که جنبه‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد؛ معنا می‌واند فرهنگ، مذهب، تاریخ، آداب و رسوم، نمادها، عملکرد، رفتار، زیبایی، پاکی و... یک ملت را به مخاطب بفهماند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۶۱-۳۵۱). این معانی می‌تواند باعث خاطره‌انگیزی، هویت‌بخشی و غنای حسی فضا گردد.

با توجه به این تعریف، معیارهای ارزیابی هویت معنایی در محیط این‌ها هستند:

۱. زمینه اجتماعی و فرهنگی: برای اینکه محیطی از نظر معنایی مناسب باشد لازم است با ارزش‌ها، باورها و نظام‌های نمادی مشترک مردم که با آنها به محیط خود معنی می‌دهند، هماهنگ باشد (راپوپورت، ۱۹۷۷).

۲. غنای حسی: تنوع تجربیات حسی که موجب لذت استفاده‌کنندگان شود. عناصر برای اینکه بتوانند در بهبود غنای حسی نقش ایفا کنند، باید قابل رویت باشند (بتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۷). در طراحی باید تصمیماتی اتخاذ شود که باعث افزایش درک و تجربیات حسی واردشوندگان گردد و لذت آنان، مثل حس تعلق و خاطره‌انگیزی را برانگیزد.

۳. نماد و نشانه: بررسی چگونگی تأثیر محیط کالبدی بر ادراک و فعالیت‌های انسان نشان می‌دهد ویژگی‌های کالبدی محیط با ایجاد معانی و تأمین فعالیت‌های خاص بر احساس و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و در القای حس مکان مؤثر است (فروغی، ۱۳۹۰). نمادها و نشانه‌ها وسیله‌های بالقوه برای رساندن معنا هستند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

۴. عناصر طبیعی: نشان‌دهنده هویت طبیعی هر مکان هستند و از آنجا که طبیعت از ابتدا جزئی از وجود انسان بوده و فرد در کنار آن به آرامش می‌رسد، شهرها و عناصر آن باید چنین محیط و بستری را فراهم سازند و محل آرامش انسان باشند. این آرامش عموماً در کنار جنبه کالبدی، جنبه احساسی و روانی نیز دارد، به این ترتیب که عناصر طبیعی نشانه‌هایی آشنا برای افراد شهر هستند؛ این نشانه‌ها با شهروندان ارتباط برقرار می‌کند و جزئی از وجود و خاطره آنها می‌شود (خطیبی، ۱۳۹۲: ۶۵).



۵. تکرار مستمر الگوی خاصی از رویدادها: از نظر الکساندر این تکرار حاصل رویدادهایی است که در آن اتفاق می‌افتد و همین‌طور که کل شکل می‌گیرد، هویتی جاودانه به خود می‌گیرد که آن را شایسته نام هویت جاودانه می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۶).

پیشینه تحقیق

بناها و شهرهای امروزی با تقلید کورکورانه، بدون برنامه‌ریزی و بدون توجه به هویت بومی منطقه طراحی می‌شوند که عدم تعلق، عدم خودباوری و عدم اعتماد به نفس شهروندان را به دنبال دارد. تحقیق حاضر سعی دارد ضمن استخراج و معرفی عوامل تأثیرگذار در ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به محیط ساخته‌شده، دستورالعمل‌هایی عمومی برای طراحی بناهای اداری-فرهنگی ارائه نماید تا در بناها و شهرهای جدید شاهد عدم تعلق و عدم خودباوری نسل‌های جدید و آینده نباشیم. پیش‌تر، در این‌باره تحقیقاتی نیز صورت گرفته است، از جمله:

۱. «نشانه‌شناسی چشم‌اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا» که با روش توصیفی تحلیل انجام شده و به دنبال آن است تا به کمک دانش و روش نشانه‌شناسی، معنا و محتوای چشم‌اندازهای فرهنگی را روشن کند و به این نتیجه رسیده که نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی نقش مهمی در تفسیر و فهم معناهای نهفته در بناها ایفا می‌کند (فیاض، ۱۳۹۰).

۲. «الزامات ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری» که با روش توصیفی - تحلیلی، به ضرورت توجه به میراث فرهنگی معماری در طراحی امروز اشاره داشته و به این نتیجه رسیده که تجلی و جلوه‌های حقیقت نهفته در معماری با ارزش گذشته ایران یا به عبارتی میراث فرهنگی معماری، می‌تواند وسعت دامنه آگاهی و آموزش را در معماری افزایش دهد و میراث فرهنگی معماری به‌عنوان «فرازیان معماری معاصر» باید سرلوحه طراحی قرار گیرد (مردمی و مرادی، ۱۳۸۷).

پژوهشی تحت عنوان «رواسازی میان فرهنگی مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان ایرانی و سوئدی» انجام شده که در آن به رواسازی میان فرهنگی مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی ادراک شده پرداخته و تاثیر و اهمیت فرهنگ و زمینه فرهنگی را



بررسی کرده است (شکری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۵).

۳. «پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت» به این پرسش می‌پردازد که آیا هویت شهر تابع کالبد است یا کالبد تابع هویت شهر. نتایج این پژوهش نشان از آن دارد که هویت شهر حالتی ذاتی و درون‌دادی دارد که بر کالبد شهر تأثیر می‌گذارد، بنابراین سیمای کالبدی شهرهای وابسته به یک فرهنگ و جهان‌بینی خاص را از فرهنگ و ساختار اجتماعی دیگر متمایز می‌کند (حبیب و همکاران، ۱۳۹۱).

۴. خطیبی «تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر» را با تمرکز بر شناسایی و تشخیص هویت گذشته شهرها و بررسی مؤلفه‌های هویتی انجام داده تا با مداخله طراحان بتوان به احیای هویت پیشین آنها دست یافت (خطیبی، ۱۳۹۲).

۵. با توجه به اینکه معماری مبتنی بر بوم را می‌توان نوعی همسازی بنای معماری با ساختار یا به عبارتی متن و بطن محیط دانست، شناسایی و به‌کارگیری بستر جغرافیایی و کالبدی منطقه در طراحی از اهمیت زیادی برخوردار است. بر این اساس، پژوهشی با عنوان «تأثیر اقلیم بر شکل‌گیری عناصر معماری سنتی گیلان» بر آن است تا تصویری کلی از معماری گیلان ارائه دهد (گرچی مهلبانی و دانشور، ۱۳۸۹).

۶. همچنین پژوهشی تحت عنوان «ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری» به بررسی نقش نشانه‌ها در ادراک مفاهیم معنایی و نقش آن در ارتقای حس مکان می‌پردازد (فلاح و نوحی، ۱۳۹۱).

۷. پژوهشی تحت عنوان «تخیل تهران: مطالعه «منظر ذهنی شهر» در سینمای دهه چهل و پنجاه ایران» انجام شده که در این تحقیق به این نکته پرداخته شده که منظر شهری نشان دهنده جریان فکری غالب در هر دوره است و منظر شهری حتی در فیلم و سینما هم تأثیرات فرهنگی دارد (راودراد و محمودی، ۱۳۹۴).

۸. با توجه به اهمیت فرهنگ در معماری بومی پژوهشی با عنوان «تأثیر فرهنگ بر معماری بومی» با روش تحلیلی-توصیفی انجام شده که به بررسی تأثیر فرهنگ بر معماری بومی و ارائه راه‌کارهایی برای استفاده از معماری بومی متأثر از فرهنگ در شرایط امروز پرداخته است (فلاح، ۱۳۹۲).

۹. پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر مؤلفه‌های ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی، مطالعه موردی: شهروندان شهر شیراز» انجام شده که ضرورت و لزوم برقراری ارتباط و تعامل جدید



بین طبیعت و انسان را بیان کرده، و به تاثیر طبیعت و محیط زیست جهت ارتقا هویت و فرهنگ در شهر شیراز پرداخته است (همتی و شبیری، ۱۳۹۴).

۱۰. پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید» نیز با هدف بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی ساکنان شهرهای جدید، با استفاده از نرم افزار «اس.پی.اس.اس» به تحلیل عوامل و تأثیر آنها بر هویت ساکنان پرداخته است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹).

چهارچوب نظری

با توجه به مبانی نظری و مطالب بیان شده، مؤلفه‌های کالبدی، عملکردی و معنایی هویت شناسایی شدند. بعد از این مرحله، بر اساس مصاحبه با ۱۱ نفر از متخصصین، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در ارتقا هویت و افزایش حس تعلق شهروندان انتخاب (جدول ۱) و فرضیه‌های قطعی تدوین گردید. در مرحله نهایی این مؤلفه‌ها و فرضیه‌ها در قالب پرسشنامه مورد سنجش شهروندان قرار گرفت.



جدول ۱. متغیرهای انتخابی متخصصین از بین متغیرهای مستخرج از مبانی نظری (صفرنژاد، ۱۳۹۴)

متغیر وابسته	عوامل مداخله‌گر (میانجی)	نحوه اثر	متغیر مستقل
ارتقا هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان	افزایش احساس خاطره‌انگیزی و لذت (دانش‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۳).	ایجاد ارجاعات ارزشی فرهنگی و بومی (لینچ، ۱۳۸۸: ۱۷۸؛ محیط (مزینی، ۱۳۷۵: ۹)	نمادها و نشانه‌های بومی (لینچ، ۱۳۸۸: ۱۷۸؛ مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۰۲)
	افزایش احساس رضایت‌مندی و آرامش و لذت (دانش‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴؛ بنتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۹)	تنوع تجربیات حسی و تداعی خاطرات (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۹)	غناي حسی (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۹)

متغیر وابسته	عوامل مداخله‌گر (میانجی)	نحوه اثر	متغیر مستقل
ارتقا هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان	افزایش احساس رضایتمندی و تعاملات و دلبستگی (دانش پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲)	ارتباط مثبت بین فرد و مکان کالبدی و ایجاد معانی (فروغی، ۱۳۹۰؛ مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۰۲) و سهولت ادراک معانی و فرصت‌های موجود در بنا (لینچ، ۱۳۸۸: ۱۷۸)	خوانایی در فرم کالبدی (لینچ، ۱۳۸۸: ۱۷۸)
	افزایش احساس وابستگی و این‌همانی (دانش پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴)	تعادل تصور عینی و ذهنی شهروندان (خطیبی، ۱۳۹۲: ۶۹) و سازگاری الگوی فرمی بین بنای جدید با بناهای بومی (نصر، ۱۳۸۳: ۷۱)	توجه به زمینه (یزدانی و مروتی، ۱۳۹۲؛ رپوپورت، ۱۹۷۷)
	افزایش احساس حق انتخاب و تعامل و مشارکت شهروندان (دانش پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۶؛ لنگ، ۱۳۹۱: ۲۳۷)	امکان دسترسی بیشتر به مجموعه (بتتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۹) و پاسخ به نیازهای افراد (خطیبی، ۱۳۹۲: ۶۹)	نفوذپذیری (بتتلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۷)

۱. به نظر می‌رسد نمادها و نشانه‌های بومی از طریق ایجاد ارجاعات ارزشی فرهنگی و بومی و انطباق با محیط و تأثیر مثبت در افزایش احساس خاطره‌انگیزی و لذت شهروندان، موجب ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان می‌گردد.
۲. به نظر می‌رسد غنای حسی از طریق تنوع تجربیات حسی و تداعی خاطرات و تأثیر مثبت در افزایش احساس رضایتمندی و آرامش و لذت شهروندان، موجب ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان می‌گردد.
۳. به نظر می‌رسد خوانایی در فرم کالبدی از طریق ارتباط مثبت بین فرد و مکان کالبدی، ایجاد معانی و سهولت ادراک معانی و فرصت‌های موجود در بنا، تأثیر مثبت در افزایش احساس رضایتمندی و تعاملات و دلبستگی شهروندان، موجب ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان می‌گردد.
۴. به نظر می‌رسد توجه به زمینه از طریق تعادل تصور عینی و ذهنی شهروندان، سازگاری الگوی فرمی بین بنای جدید با بناهای بومی و تأثیر مثبت در افزایش احساس وابستگی و





این همانی، موجب ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان می‌گردد.

۵. به نظر می‌رسد نفوذپذیری از طریق امکان دسترسی بیشتر به مجموعه و پاسخ به نیازهای افراد بهره‌بردار و نیز تأثیر مثبت بر افزایش احساس حق انتخاب و تعامل و مشارکت شهروندان، موجب ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان می‌گردد.

۶. به نظر می‌رسد نمای ساختمان از طریق شکل دهی به سیمای شهری و تناسبات و زیبایی و نیز تأثیر مثبت بر افزایش احساس لذت و تداعی خاطرات، موجب ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان می‌گردد.

روش تحقیق

روش انتخابی این تحقیق ترکیبی از روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. جامعه آماری این مطالعه شهروندان شهر رشت است که جمعیت آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۹۱۸۴۴۵ نفر است. از این جمعیت بر اساس فرمول کوکران^۱، تعداد ۴۰۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ای است و داده‌های مورد نیاز از دو روش مراجعه به اسناد و پرسشنامه جمع‌آوری شده است، به این ترتیب که فرضیه‌ها از ۱۱ نفر از متخصصین معماری و شهرسازی نگرش‌سنجی شده و نتایج آزمون نگرش‌سنجی از متخصصین، در قالب پرسشنامه مورد آزمایش و نظرسنجی ۴۰۷ شهروند گیلانی قرار گرفت. پس از تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و بررسی یافته‌های تحقیق، اصول و مدل طراحی مؤثر بر ارتقای حس تعلق شهروندان در بناهای امروزی استخراج گردید؛ متغیر وابسته پژوهش ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان و متغیرهای مستقل پژوهش، شامل نمادها و نشانه‌های بومی، غنای حسی، خوانایی در فرم کالبدی، توجه به زمینه در طراحی، نفوذپذیری و نمای ساختمان هستند. گزینش این متغیرها و انتخاب گویه‌های مربوط برای سنجش آنها بر اساس مبانی نظری، بررسی منابع موجود و مطالعات انجام شده و مصاحبه با متخصصین معماری و شهرسازی صورت گرفته است. میزان آلفای کرونباخ بین ۰ و ۱ است

۱. فرمول کوکران برای به دست آوردن جامعه آماری: $n = \frac{z^2 pqN}{d^2(N-1) + z^2 pq}$ (N=حجم جامعه، مقدار Z معمولاً دو مورد است: ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ۲/۵۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصد، مقدار p نسبت صفت موجود در جامعه است که بین ۰/۰۱ تا ۰/۹۹ انتخاب می‌شود که برابر با ۰/۵ در نظر گرفته می‌شود، مقدار q نسبت عدم وجود صفت در جامعه است که برابر است با $p-1=q$ ، مقدار d سطح خطای قابل قبول پژوهشگر است که بین ۰/۰۱ تا ۰/۰۵ انتخاب می‌شود).

هر چه به یک نزدیک تر باشد نشان دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تکرار در شرایط دیگر است. با توجه به جدول زیر همه آلفاها بالاتر از ۰/۷ هستند و این نشان می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه)، ابزار خوبی برای سنجش حس تعلق شهروندان بوده است. به عبارتی، سؤالات پرسشنامه سؤالات خوبی برای بررسی موضوع هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون آلفای کروباخ برای متغیرها و پرسشنامه

نوع متغیر	متغیرها	تعداد گویه‌ها	آلفای کروباخ
متغیر مستقل	نمادها و نشانه‌های بومی	۱۲	۰/۷۲۶
	غناي حسی	۷	۰/۶۹
	خوانایی در فرم کالبدی	۴	۰/۶۷۷
	توجه به زمینه	۴	۰/۶۹۲
	نفوذپذیری	۶	۰/۶۶۵
	نمای ساختمان	۷	۰/۷۱۵
متغیر وابسته	حس تعلق شهروندان به بناهای شهری	۸	۰/۸۲۰
	کل پرسشنامه	۴۰	۰/۹۱۲

تحلیل اطلاعات و یافته‌های تحقیق

در این مرحله به تحلیل داده‌های حاصل از پاسخ شهروندان گیلانی به پرسشنامه با نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» پرداخته شده است. به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش، ابتدا به بررسی پایایی و اعتبار داده‌ها و پرسشنامه بر اساس آزمون کیزر مایر پرداخته، سپس با بهره‌گیری از آزمون همبستگی و آزمون واریانس به بررسی میزان معناداری و همبستگی بین متغیرها پرداخته و در نهایت با استفاده از تحلیل رگرسیون و مدل‌سازی به تشخیص و میزان تأثیر عوامل مؤثر بر ارتقا هويت و افزایش حس تعلق شهروندان و میزان و نحوه تأثیرگذاری آنها پرداخته شده است. از بین ۴۰۷ نفر پاسخ‌دهنده گیلانی، ۴۳/۷ درصد مرد و ۵۶/۳ درصد زن، بیشترین فراوانی پاسخ‌گویان مربوط به گروه‌های سنی ۳۰-۲۰، ۶۱ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۷ درصد دیپلم و ۰/۷ درصد دکتری، ۷۰ درصد پاسخ‌گویان ساکن رشت، ۱۳/۵ درصد ساکن بندر انزلی و املش، و سایرین ساکن خمام و رودسر و ... بودند.



الف) بررسی اعتبار و پایایی داده‌ها و پرسشنامه بر اساس مقدار کیزر-مایر

از طریق تحلیل عامل به بررسی اعتبار سازه‌ای ابزار اندازه‌گیری پرداخته شده است. در این مطالعه تحلیل عامل به دنبال دو هدف است؛ یکی بررسی اعتبار سازه‌ای به منظور مشخص کردن مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل آماری و دیگری، تلخیص داده‌ها در عوامل محدود.

جدول ۳. اعتبار سازه‌ای ابزار اندازه‌گیری

مقدار کیزر-مایر	۰/۸۸۴
آزمون بارتلت	۵۳۰۴/۱۷۷
درجه آزادی	۹۹۰
سطح معناداری	/۰۰۰۰

جدول ۴. مدل تحلیل عامل مشترک

عامل	مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی
خوانایی در فرم کالبدی	۹/۵۹۴	۲۱/۶۷۴	۲۱/۳۲۰
غناي حسی	۲/۷۵۹	۶/۱۳۲	۲۷/۴۵۳
نمادها و نشانه‌های بومی	۱/۷۳۹	۳/۸۶۵	۳۱/۳۱۷
نفوذپذیری	۱/۶۱۸	۳/۵۹۵	۳۴/۹۱۲

بر اساس جدول ۳ که اعتبار سازه‌ای عوامل ارتقای هویت و افزایش تعلق شهروندان به بناهای شهری را نشان می‌دهد، مقدار $KMO=0/884$ نشان‌دهنده مناسب بودن ابزار اندازه‌گیری و گویه‌های آن برای اندازه‌گیری واقعیت تعلق به بناهای شهری است و چون این مقدار بالاتر از $0/7$ است، نشان می‌دهد که داده‌های موجود برای اندازه‌گیری ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهر مناسب هستند. به عبارتی، موضوع تحقیق با گویه‌های موبوطه خوب سنجش شده‌اند. بر اساس جدول ۴، در مجموع چهار عامل $34/9$ درصد از واریانس مؤلفه‌های اصلی را تبیین می‌کند؛ در این بین خوانایی در فرم کالبدی بیشترین سهم واریانس عوامل را تبیین می‌کند، با چرخش وریماکس ۱۴ گویه معرف عامل خوانایی در فرم کالبدی، نه گویه معرف غنای حسی، هشت گویه معرف نمادها و نشانه‌های بومی و هشت گویه معرف عامل چهارم یعنی نفوذپذیری است. عامل اول خوانایی در فرم کالبدی ۲۱ درصد واریانس را



تیین می‌کند و گویه‌های آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، غنای حسی ۶ درصد واریانس این ارتقای هویت و افزایش تعلق شهروندان به بناهای شهری و عامل سوم و چهارم یعنی نمادها و نشانه‌های بومی و نفوذپذیری هر کدام ۳ درصد واریانس را تییین می‌کنند.

ب) آمارهای توصیفی متغیرهای اصلی

بر اساس جدول ۵، با در نظر گرفتن حداقل و حداکثر نمره، میانگین همه متغیرها بالاتر از سطح متوسط است و نشان می‌دهد که غنای حسی، خوانایی در فرم کالبدی، توجه به زمینه طراحی، نفوذپذیری، نمای ساختمان، نشانه‌ها و نمادهای بومی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری بیشتر است.

جدول ۵. آمارهای توصیفی متغیرهای اصلی

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	واریانس
غنای حسی	۱۳	۳۵	۲۷	۱۷/۴۸۱
خوانایی در فرم کالبدی	۴	۲۰	۱۴	۶/۸۴۰
توجه به زمینه	۴	۲۰	۱۵	۷/۳۶۱
نفوذپذیری	۱۴	۳۰	۲۳	۱۱/۸۱۳
نمای ساختمان	۱۲	۳۰	۲۷	۱۵/۷۵۷
نشانه‌ها و نمادهای بومی	۲۰	۶۰	۴۵	۴۵/۵۶۶
ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری	۵	۱۵	۱۳	۳/۸۹۱

ج) بررسی میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

(ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به محیط)

۱. همبستگی بین غنای حسی و میزان تعلق شهروندان: بررسی میزان تأثیرگذاری و همبستگی غنای حسی با ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان و اینکه رابطه معناداری بین این دو عامل وجود دارد یا خیر، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون.

جدول ۶. همبستگی بین غنای حسی و میزان تعلق شهروندان به بناهای شهری

میزان همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
۰/۴۶۴	۰/۰۰۰	۴۰۷

همبستگی بین غنای حسی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری





ضریب همبستگی پیرسون بین غنای حسی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری با ضریب همبستگی $0/464$ و سطح معناداری کمتر از $0/05$ نشان می‌دهد که بین غنای حسی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به عبارتی، در طراحی باید تصمیماتی اتخاذ شود که باعث افزایش درک و تجربیات حسی شهروندان گردد و زمینه‌های لذت آنان را فراهم آورد، مثل حس تعلق و خاطره‌انگیزی، چراکه تجربیات حسی متفاوتی که شهروندان از یک محیط ثابت کسب می‌کنند بر افزایش حس تعلق آنها تأثیر دارد.

۲. همبستگی خوانایی در فرم کالبدی و میزان تعلق شهروندان: بررسی میزان تأثیرگذاری و همبستگی خوانایی در فرم کالبدی با افزایش حس تعلق شهروندان و اینکه رابطه معناداری بین این دو عامل وجود دارد یا خیر، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون.

جدول ۷. همبستگی خوانایی در فرم کالبدی و میزان تعلق شهروندان به بناهای شهری

میزان همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد نمونه
$0/431$	$0/000$	۴۰۷

جدول ۷ همبستگی معنادار بین خوانایی در فرم کالبدی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری را در سطح اطمینان حداقل ۹۵ درصد نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که بین خوانایی در فرم کالبدی و تعلق شهروندان ارتباط معنی‌دار و همبستگی وجود دارد. با توجه به اینکه محیط شهری شهروندان را دچار دل‌زدگی کرده و احساس تعلق مکانی آنها را از بین می‌برد، زیبایی شهر و کیفیت بصری فضاهای شهری که به ندرت به صورتی آشکار به آن توجه می‌شود، خوانایی در فرم کالبدی هستند. کاربرد ترکیب صحیح و منظمی از رنگ‌ها و فرم‌ها در محیط‌های شهری نقش به‌سزایی در خوانایی و وضوح و زیباسازی شهر دارند و سبب تلطیف روحیه شهروندان در شهرهای شلوغ و پرهیاهوی امروز می‌شوند و احساس مطلوبی از شهر در آنها ایجاد می‌کنند. از نظر لینچ وضوح بصری یا خوانایی آن است که به آسانی اجزاء شهری را بتوان شناسایی کرد و بتوان آنها را در ذهن در قالبی به هم پیوسته با یکدیگر ارتباط داد.

۳. همبستگی بین توجه به زمینه و میزان تعلق شهروندان: برای بررسی میزان تأثیرگذاری و همبستگی

توجه به زمینه با ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان و اینکه رابطه معناداری بین این دو عامل وجود دارد یا خیر، ضریب همبستگی پیرسون برای مقایسه محاسبه شده است.

جدول ۸. همبستگی بین توجه به زمینه و میزان تعلق شهروندان به بناهای شهری

تعداد نمونه	سطح معناداری	میزان همبستگی پیرسون	همبستگی توجه به زمینه و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری
۴۰۷	۰/۰۰۰	۰/۴۳۴	

ضریب همبستگی پیرسون بین توجه به زمینه و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ نشان می‌دهد که رابطه‌ای معنادار بین دو عامل وجود دارد، یعنی هر چه توجه به زمینه طراحی در شهرها بیشتر باشد به همان میزان ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری هم بیشتر است. به عبارتی، پیش‌زمینه‌های ذهنی شهروندان در رابطه با فرم‌های زیستی تعیین‌کننده حس تعلق آنان به بناهای شهری است.

۴. همبستگی بین نفوذپذیری و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان: بررسی میزان تأثیرگذاری و همبستگی نفوذپذیری با افزایش حس تعلق شهروندان و اینکه رابطه معناداری بین این دو عامل وجود دارد یا خیر، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون.

جدول ۹. همبستگی بین نفوذپذیری و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری

تعداد نمونه	سطح معناداری	میزان همبستگی پیرسون	همبستگی بین نفوذپذیری و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری
۴۰۷	۰/۰۰۰	۰/۷۳۶	

جدول همبستگی بین نفوذپذیری و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری با سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین این دو عامل وجود دارد و ضریب همبستگی بالای ۰/۵ نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین این دو عامل وجود دارد. به عبارتی، با افزایش نفوذپذیری ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری بیشتر می‌شود. راه‌کارهایی که امکان دید بصری بیشتر را برای شهروندان مهیا کند و راه‌کارهایی که امکان حضور و مشارکت شهروندان را در بنا تقویت کند، نفوذپذیری را افزایش داده و حس تعلق شهروندان به بناهای شهری و ارتقای هویت را به‌دنبال دارد.



۵. همبستگی بین نمای ساختمان و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان: بررسی میزان تأثیرگذاری و همبستگی نمای ساختمان با افزایش حس تعلق شهروندان و اینکه رابطه معناداری بین این دو عامل وجود دارد یا خیر، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون.

جدول ۱۰. همبستگی بین نمای ساختمان و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری

تعداد نمونه	سطح معناداری	میزان همبستگی پیرسون	همبستگی بین نمای ساختمان و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری
۴۰۷	۰/۰۰۰	۰/۵۸۵	

جدول همبستگی بین نمای ساختمان و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری با سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که بین نمای ساختمان و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان رابطه معناداری وجود دارد و به دلیل اینکه میزان همبستگی پیرسون بالای ۰/۵ است نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین این دو عامل وجود دارد.

۶. همبستگی بین نماد و نشانه بومی و افزایش حس تعلق شهروندان: بررسی میزان تأثیرگذاری و همبستگی نمای ساختمان با افزایش حس تعلق شهروندان و اینکه رابطه معناداری بین این دو عامل وجود دارد یا خیر، با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون.

جدول ۱۱. همبستگی بین نماد و نشانه بومی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری

تعداد نمونه	سطح معناداری	میزان همبستگی پیرسون	همبستگی بین نماد و نشانه بومی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری
۴۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۹۳	

جدول همبستگی بین نماد و نشانه بومی و ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری با سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که بین این دو عامل رابطه معناداری وجود دارد و هر چه از نشانه‌ها و نمادهای بومی استفاده شود، حس تعلق به بناهای شهری نیز بیشتر می‌شود. به عبارتی، وجود نمادها و نشانه‌های شهری فرآیند انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت پایدار شهری را از یک نسل به نسل دیگر فراهم می‌کند. بسترسازی نمادهای شهری به افزایش کیفیت زندگی جمعی محلات و تقویت سرمایه اجتماعی کمک شایانی خواهد کرد. وجود نشانه‌های شهری به عنوان عنصر فرهنگی هنری نقش بارزی در ارتقای حس تعلق شهروندان خواهد داشت. وجود این نشانه‌ها به عنوان یک واقعیت اجتماعی در



ساختار فرهنگی جامعه باعث تقویت هویت شهری، مشارکت پایدار و تعلق به حفظ الگوهای فرهنگی حاکم بر شیوه زندگی اجتماعی و خودباوری و اعتماد به نفس شهروندان خواهد شد.

(د) آزمون مدل نظری تحقیقی (مدل رگرسیون)

با توجه به اینکه مدل نظری بینشی جامع به محقق می‌دهد و می‌توان از طریق آن روابط علی متغیرهای درگیر در ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان را مورد مطالعه دقیق‌تر قرار داد، پس از تدوین مبانی نظری، مدلی طراحی شد و به منظور آزمون مدل نظری تحقیق از نرم افزار مربوط به معادلات ساختاری استفاده شد. متأسفانه در اکثر تحقیقات روابط تک‌متغیره مد نظر است و این امر سبب می‌شود پژوهشگر نتواند بینش وسیع‌تری درباره تحلیل عوامل مؤثر بر موضوع پیدا کند. به همین دلیل در اینجا علاوه بر روابط دو متغیره به روابط چند متغیره در مدل رگرسیونی پرداخته شده است. این مدل نشانگر روابط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و همچنین روابط متغیرهای مستقل با یکدیگر است. مدل‌های رگرسیونی معمولاً یک متغیر وابسته دارند و تنها روابط مستقیم را نشان می‌دهند.



جدول ۱۲. سهم متغیرهای پیش‌بینی وارد شده در مدل رگرسیون در تبیین متغیر تعلق شهروندان

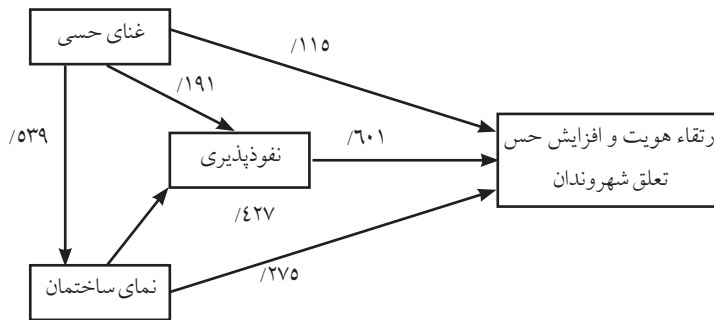
به بناهای شهری

متغیرها	ضریب رگرسیون	ضریب تبیین	ضریب تعدیل شده	مقدار ضریب استاندارد نشده B	مقدار ضریب استاندارد شده Beta	مقدار t	سطح معناداری
غناي حسی				۰/۰۵۵	۰/۱۱۵	۲/۶۰۶	۰/۰۱۰
خوانایی در فرم کالبدی				-۰/۶۰	-۰/۸۰	-۱/۷۵۸	۰/۰۸۰
توجه به زمینه				۰/۰۲۲	۰/۰۳۰	۰/۶۲۸	۰/۵۳۱
نفوذپذیری	۰/۷۸۲	۰/۶۱۱	۰/۶۰۶	۰/۳۴۶	۰/۶۰۱	۱۵/۴۳۴	۰/۰۰۰
نمای ساختمان				۰/۱۳۶	۰/۲۷۵	۶/۰۳۷	۰/۰۰۰
نمادها و نشانه‌های بومی				-۰/۰۲۰	-۰/۰۶۸	-۱/۵۱۵	۰/۱۳۱

مطابق جدول ۱۲، سه متغیر غناي حسی، نفوذپذیری و نمای ساختمان در تبیین متغیر افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری و ارتقای هویت با ضریب تبیین تعدیل شده



برابر با ۰/۶۰۶ بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارا هستند، یعنی این سه متغیر ۶۰ درصد واریانس حس تعلق شهروندان به بناهای شهری را تبیین می‌کنند. در این میان، نفوذپذیری با ۰/۶۰۱ بیشترین سهم را در تبیین واریانس حس تعلق شهروندان به بناهای شهری دارد و نمای ساختمان با ۰/۲۷۵ و غنای حسی با ضریب استاندارد شده ۰/۱۱۵ به ترتیب کمترین سهم تبیین‌کنندگی را در تبیین حس تعلق شهروندان به بناهای شهری دارند. بر این اساس، می‌توان در برنامه‌ریزی و طراحی‌های شهری و معماری به نفوذپذیری توجه ویژه‌ای داشت و به نمای ساختمان و غنای حسی اهمیت داد. سایر متغیرها در مدل‌سازی برای حس تعلق شهروندان به بناهای شهری نقشی معناداری ندارند.



نمودار ۱. مسیر رابطه علی بین متغیرهای نفوذپذیری، غنای حسی، نمای ساختمان و ارتقای هویت و

افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری

در نمودار مسیر سه متغیر مستقل نفوذپذیری، غنای حسی، نمای ساختمان با یکدیگر به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری تأثیر گذارند؛ با توجه به مدل متغیر نفوذپذیری بیشترین تأثیر را بر افزایش هویت شهر و حس تعلق شهروندان دارد و بعد از آن، متغیر نمای ساختمان و متغیر غنای حسی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان دارند. مجموع اثر کلی ۰/۶۳۵ است که نشان می‌دهد مجموع متغیرها اثر قابل قبولی در ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان به بناهای شهری دارند. میزان مجموع اثرات بالاتر از ۰/۵ است و هر چه به یک نزدیک باشد قدرت پیش‌بینی و تبیین‌کنندگی آن بیشتر است. یعنی ۶۳ درصد از متغیر وابسته (افزایش حس تعلق شهروندان) بر اساس این مدل تبیین شده است؛ این نشانگر برازش

$$۱. محاسبه ضریب تبیین‌کنندگی مدل $0/635 = (0/427 \times 0/601) + (0/539 \times 0/275) + (0/191 \times 0/601) + 0/115$$$

خوب مدل است. همچنین می‌توان با تکیه بر نتایج آن مدعی شد که عوامل مطرح شده در مدل نظری بیش از ۶۳ درصد از متغیر ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان را مورد تبیین قرار داده است و بر این مبنا می‌توان به برنامه‌ریزی پرداخت.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه اصول طراحی

بنا بر یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد اصول ارائه شده زیر به همراه سایر اصول بنیادین طراحی بناهای عمومی شهر رشت، به ویژه بناهای اداری و فرهنگی، منجر به ارتقای هویت بنا و شهر و افزایش حس تعلق شهروندان و خودباوری آنها خواهد شد. در واقع، محیط ساخته شده باید موجب هویت‌زایی و افزایش تعلق و اعتماد به نفس شهروندان گردد. بنابراین، عواملی چون نفوذپذیری، توجه به نمای ساختمان، غنای حسی، توجه به زمینه، نماد و نشانه بومی و خوانایی در فرم کالبدی در طراحی بناهای شهری به ترتیب بیشترین تأثیر را در ارتقای هویت بنا و افزایش حس تعلق شهروندان دارند. بر این اساس، در ادامه با تحلیل یافته‌های تحقیق راهکارهای معمارانه برای اعمال هر یک از این عوامل در طراحی بناهای اداری فرهنگی امروزی بیان شده است.

الف) با توجه به اینکه افزایش احساس حق انتخاب و تعامل و مشارکت شهروندان از طریق نفوذپذیری در طراحی بنا موجب ارتقای هویت بنا و افزایش حس تعلق شهروندان به بنا می‌گردد، استفاده از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:

- امکان دسترسی زیاد و آسان برای شهروندان،
- وجود راه‌های شفاف و قابل رؤیت،
- استفاده از تقسیمات حجمی کوچک و وجود راه‌های دسترسی و بازشوهای زیاد به داخل بنا،
- استفاده از نقاط ارتباط‌دهنده از بنا به محیط اطراف (برای مثال استفاده از پنجره‌ها و جداره‌های شفاف)،

- در نظر گرفتن فضاهای جمعی مثل تریا، غرفه‌های نمایشی، کلاس‌های آموزشی و کتابخانه،

- مشارکت و اعمال نظر شهروندان در طراحی بنا.

ب) با توجه به اینکه افزایش احساس لذت و تداعی خاطرات شهروندان از طریق نماسازی در طراحی بنا موجب ارتقای هویت بنا و افزایش حس تعلق شهروندان به بنا می‌گردد، استفاده از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:

- هماهنگی و سازگاری نمای بنا با نمای سایر ساختمان‌های هم‌جوار با ارزش فرهنگی و تاریخی،





- وضوح بصری در تزئینات و آرایه‌بندی نما، مثل استفاده از کادربندی و قاب‌بندی پنجره‌ها و جداره‌ها با بلوک‌ها یا تزئینات آجری،
- توجه به ترکیب‌بندی و مصالح در نماسازی بنا،
- توجه به هندسه و تناسب در نماسازی، مثل استفاده از پنجره با تناسب عمودی،
- ایجاد ریتم در نما با تکرار خطوط، تزئینات و پنجره‌ها در بدنه‌ها،
- استفاده از سیمان سفید و چوب یا مصالح جدید و مقاوم با طرح و رنگ چوب در نماسازی،
- استفاده از فرم قوسی در پنجره‌ها و نمای بنا،
- استفاده از عناصر عمودی و مخروطی در نمای ساختمان،
- استفاده از تزئینات بومی در نرده‌ها و جداره‌های نما،
- توجه به خط آسمان و خط زمین در نمای بنا.
- ج) با توجه به اینکه افزایش احساس رضایت‌مندی و آرامش و لذت شهروندان از طریق ایجاد غنای حسی در طراحی بنا موجب ارتقای هویت بنا و افزایش حس تعلق شهروندان به بنا می‌گردد، استفاده از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:
- استفاده از تنوع سطحی و ارتفاعی در نما و حجم بنا،
- استفاده از گلدان‌های گلی و سفالی در ایوان و محوطه و فضای داخلی بنا.
- کاشت نوار سبزی از درختان چنار به‌منظور سرزندگی فضای خیابان،
- استفاده از پنجره‌های سراسری برای نفوذ نور طبیعی به داخل بنا،
- در نظر گرفتن غرفه‌هایی برای پخت و فروش نان و کلوچه محلی، پخش و فروش موسیقی و آواهای محلی، نمایش و فروش لباس‌های محلی منطقه و نمایش و فروش صنایع دستی، از جمله سفالگری و حصیر بافی،
- استفاده از تکنیک نورپردازی در شب،
- استفاده از تزئینات بومی در تیغه‌ها و جداره‌های جداکننده فضاهای داخلی.
- استفاده از آتریوم در فضای داخل، برای تلفیق با فضای باز و طبیعت.
- د) با توجه به اینکه افزایش احساس وابستگی و این‌همانی شهروندان از طریق توجه به زمینه در طراحی بنا موجب ارتقای هویت بنا و افزایش حس تعلق شهروندان به بنا می‌گردد، استفاده از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:
- توجه به شباهت فرمی بنا با بناهای هم‌جوار با ارزش فرهنگی و تاریخی، از قبیل استفاده از رواق‌ها و فرم‌های قوسی در جداره بنا، استفاده از پنجره‌هایی مطابق الگوهای بدنه هم‌جوار و

نحوه قرارگیری آنها در ترکیب با بدنه هم‌جوار، استفاده از تزئینات حلی مطابق با الگوی قدیم بر روی لبه دامنه بام برای زیباسازی نما.

- هماهنگی بنا با مقیاس، تناسب رنگ، بافت و مصالح بناهای هم‌جوار با ارزش فرهنگی و تاریخی، از قبیل استفاده از ورق گالوانیزه مات یا ورق‌هایی با رنگ اخراپی آجری و قهوه‌ای یا سفال در سقف بنا، استفاده از مصالح متعارف بافت منطقه، شامل آجر، سیمان‌بری سفید و چوب یا مصالح طرح چوب در بدنه و بازشوها.

- در نظر گرفتن شرایط اقلیمی در فرم و حجم، بازشوها و مصالح بنا، از قبیل استفاده از بام شیروانی با شیب استاندارد، استفاده از کرسی چینی برای جلوگیری از نفوذ رطوبت و ایجاد فضای حایل در کف، استفاده از ناودانی، آبراه‌ها و اسکوب‌ها از جنس حلب هم‌رنگ با مصالح سقف، استفاده از فضاهای نیمه‌باز مثل ایوان و تراس برای سایه‌اندازی و تهویه هوا.

ه) با توجه به اینکه افزایش احساس خاطره‌انگیزی و لذت شهروندان از طریق به‌کارگیری نمادها و نشانه‌های بومی در طراحی بنا موجب ارتقای هویت بنا و افزایش حس تعلق شهروندان به بنا می‌گردد، استفاده از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:

- استفاده از سقف شیب‌دار و کرسی چینی،

- استفاده از تزئینات بومی منطقه در تراس‌ها، پنجره‌ها و فضای داخلی،

- استفاده از تراس و ایوان رو به فضای سبز که امکان حضور مردم و برقراری رابطه بصری با اطراف را فراهم کند،

- استفاده از اشکال هندسی مثلثی و خطوط مورب که تداعی‌گر سقف‌های شیب‌دار است.

- استفاده از درختان و فضای سبز در محوطه به‌عنوان نمادی از طبیعت سبز منطقه و احترام

و ارتباط با آن،

- استفاده از ورودی شاخص (پیش‌آمده یا تورفته) و یک عنصر مرکزی مثل ورودی، به‌ویژه

راه پله که در بناهای منطقه نقش مهمی دارد.

و) با توجه به اینکه افزایش احساس رضایت‌مندی، تعامل و دلبستگی از طریق خوانایی در

فرم کالبدی بنا موجب ارتقای هویت بنا و افزایش حس تعلق شهروندان به بنا می‌گردد، استفاده

از راهکارهای زیر در طراحی مناسب به نظر می‌رسد:

- استفاده از فرم‌ها و نمادهای قابل درک و آشنا برای شهروندان،

- استفاده از عناصر کالبدی چون راه، لبه، نشانه (مثل استفاده از مسجّمه یا تابلوهایی

از طبیعت و بناهای بومی منطقه یا ماکتی از بناهای میراث فرهنگی)، تقاطع (از قبیل تقاطع



راهروها، مسیرها یا بخش‌های مختلف برای مکث و برقرای تعامل اجتماعی مثل در نظر گرفتن فضایی برای نشستن یا نورگیرها و پنجره‌هایی رو به فضای سبز) در مسیرهای پیاده محوطه و راهروهای داخل بنا،
- استفاده از ترکیب‌بندی واضح و منظم در فرم و رنگ.

پیشنهادها

برای ادامه تحقیقات در حوزه ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان و نقش و تأثیرگذاری فضاهای مصنوع و انسان‌ساخت بر این احساس و با کیفیت‌تر شدن این نوع پژوهش‌ها می‌توان ملاحظات و پیشنهادات زیر را مد نظر قرار داد:

۱. برای تحقیقات بعدی می‌توان با ساخت فضاهای اداری-فرهنگی دارای ویژگی‌هایی که تحقیق حاضر ارائه می‌نماید، به آزمون واقعی شهروندان پرداخت و به وسیله پیش‌آزمون و پس‌آزمون و استفاده از دیگر آزمون‌های استاندارد، حس تعلق، میزان هویت‌زایی و ایجاد تعلق این فضاها و تأثیر آنها بر شهروندان را بررسی کرد. به عبارت دیگر، می‌توان به ارزیابی پس از ساخت پرداخت.

۲. در ادامه پژوهش حاضر می‌توان عوامل و متغیرهای دیگری برای پژوهش در راستای ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان از نظر کالبدی و معماری در نظر گرفت؛ از جمله عواملی که در این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای حاصل شده اما مورد نظرسنجی و آزمایش قرار نگرفته است، مثل انعطاف‌پذیری، سلسه مراتب، سرعت حرکت در ادراک فضا، آسایش و راحتی و...

۳. محققان در پژوهش‌های آتی در زمینه تأثیرگذاری کالبد و فضای معماری بر ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان، می‌توانند مؤلفه‌ها و متغیرهای دیگری که در این پژوهش به آنها اشاره‌ای نشده را به تحقیقات اضافه نموده و میزان تأثیر این مؤلفه‌ها را نیز مورد آزمون و سنجش قرار دهند.

۴. می‌توان برای ارائه یافته‌های تحقیق به طراحان حوزه معماری و شهرسازی، کارگاه‌های آموزشی و بازآموزی برگزار نمود تا یافته‌های این تحقیق از سلسه مراتب طراحی تا ساخت مد نظر قرار گیرد.



منابع

- آتشین‌بار، محمد (۱۳۸۸). تداوم هویت در منظر شهری. *باغ نظر*، ۶(۱۲)، ۴۵-۵۶.
- ابراهیمی، سمیه؛ اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار. *هویت شهر*، ۴(۶)، ۳-۱۴.
- اردلان، نادر (۱۳۷۴). معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران. *آبادی*، ۵(۱۹)، ۱۵-۱۸.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶). *معماری و راز جاودانگی راه بی‌زمان ساختن*، (مترجم: مهرداد قیومی بیدهندی). تهران: دانشگاه بهشتی.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۲). *سرشت نظم*، (مترجم: رضا سیروس صبری و علی اکبری). تهران: پرهام نقش.
- برزگر، محمدرضا (۱۳۸۳). *بازشناسی هویت شهری. مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، ج ۱، ساخت شهری*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- بنتلی، ایان و همکاران (۱۳۹۰). *محیط‌های پاسخ ده*. کتاب *راهنمای طراحان*، (مترجم: مصطفی بهزادفر). تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۱). *کیفیت فضا*. آبادی، ۱۲(۳۷)، ۱۱۱-۱۰۰.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران*. وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). *مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری*. تهران: شهیدی.
- پورجعفر، محمدرضا؛ منتظرالحجه، مهدی (۱۳۹۰). *نشانه‌های شهری*. تهران: طحان.
- تابان، محسن و همکاران (۱۳۹۱). *هویت و مکان، رویکردی پدیدارشناسانه*. *هویت شهر*، ۶(۱۰)، ۷۹-۹۰.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- توماچ‌نیا، جمال‌الدین؛ طاووسی، محمود (۱۳۸۵). *نقش درخت زندگی در فرش‌های ترکمن*. *گلجام*، ۴(۵)، ۱۱-۲۴.
- حبیب، فرح و همکاران (۱۳۹۱). *پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (یا هویت تابع کالبد شهر؟)*. *هویت شهر*، ۲(۳)، ۱۳-۲۳.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴). *هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)*. *هنرهای زیبا*، ۲۴، ۵۵-۶۲.
- خطیبی، محمدرضا (۱۳۹۲). *تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر (مطالعه موردی: محدوده و رودی سندج)*. *هویت شهر*، ۷(۱۳)، ۶۳-۷۳.
- دانش‌پور، سید عبدالهادی (۱۳۷۹). *بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهر*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- دانش‌پور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۸). *تبیین مدل «دل‌بستگی به مکان» و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن*. *هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، ۱(۳۸)، ۳۷-۴۸.





- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راووداد، اعظم؛ محمودی، بهارک (۱۳۹۴). تخیل تهران: مطالعه «منظر ذهنی شهر» در سینمای دههٔ چهل و پنجده ایران. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، ۸(۴)، ۹۰-۵۳.
- ربانی، رسول و همکاران. (۱۳۸۹). بررسی عوامل سازنده بر هویت شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر پردیس تهران). فصلنامهٔ مطالعات ملی، ۱۱(۳)، ۱۲۸-۱۰۱.
- سایمون، بل (۱۳۸۷). عناصر طراحی بصری در منظر، (مترجم محمدرضا مثنوی). تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانزاده، حسین (۱۳۷۲). فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- شکری، امید؛ کرمی نوری، رضا؛ فراهانی، محمدنقی؛ مردای، علیرضا (۱۳۹۴). رواسازی میان فرهنگی مقیاس چندبُعدی حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان ایرانی و سوئدی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۹(۲)، ۱۰۰-۷۹.
- شیخ‌زین‌الدین، حسین (۱۳۷۴). معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران. آبادی، ۵(۱۹)، ۴۵-۴۴.
- صفرنژاد، مهسا (۱۳۹۴). طراحی معماری مرکز اداری آموزشی پژوهشی و حفاظتی میراث فرهنگی شهر رشت در جهت ارتقای هویت و افزایش حس تعلق شهروندان با تأکید بر نمادها و نشانه‌های معماری بومی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ هنر و معماری، پردیس دانشگاه گیلان.
- طیسی، محسن (۱۳۸۶). بازتاب هویت ایرانی در معماری اسلامی ایران. هویت ایرانی (سلسله مقالات و گفتارهایی پیرامون هویت ایرانی). تهران: سوره مهر.
- عباس‌زادگان، مصطفی؛ سربندی فراهانی، معصومه (۱۳۹۱). کاربست بعد عملکردی طراحی شهری در ارتقای کیفیت فضاهای سبز و باز محلی. دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست.
- فروغی، مژگان (۱۳۹۰). بررسی نقش مولفه‌های محیط کالبدی در ایجاد حس مکان برای طراحی مطلوب. همایش ملی سازه، راه، معماری. چالوس. دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس. http://www.civilica.com/Pa-per-CHALOOSCIVIL01-CHALOOSCIVIL01_061.html
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۷). فرهنگ ملی، فرهنگ‌های قومی-جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی. جامعه‌شناسی ایران، ۱۷(۱)، ۱۴۸-۱۲۶.
- فلاح، مریم (۱۳۹۲). تأثیر فرهنگ بر معماری بومی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار. مشهد: مؤسسه آموزش عالی خاوران.
- فلاح، محمدصادق؛ نوحی، سمیرا (۱۳۹۱). ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری. هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی. ۱۷(۱)، ۲۶-۱۷.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۹۰). نشان‌شناسی چشم‌اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و

کشف معنا. تحقیقات فرهنگی ایران، ۴(۴)، ۹۱-۱۱۶.

قریب، فریدون (۱۳۸۲). ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها. هنرهای زیبا، ۱۵(۱۵)، ۲۴۱.

قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷). مفهوم هویت و معماری امروز ایران. آینه خیال، ۱۰(۱۰)، ۷۸-۸۳.

کاوسی، اسماعیل؛ حسین زادگان، زهره (۱۳۸۹). حفظ هویت ایرانی-اسلامی در فرآیند جهانی شدن. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲(۳)، ۳۷-۶۲.

کربلایی نوری، رضا (۱۳۸۶). هویت، شهر، خاطره. مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمرانی شهرهای جدید.

گر جی مهلبانی، یوسف؛ دانشور، کیمیا (۱۳۸۹). تأثیر اقلیم بر شکل‌گیری عناصر معماری سنتی گیلان.

معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۳(۴)، ۱۳۵-۱۴۵.

گلکار، کوروش. (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. نشریه علمی پژوهشی صفا، ۳۲(۳۲)، ۳۸-۶۵.

لنگ، جان (۱۳۹۱). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، (مترجم: علیرضا عینی فر). تهران: دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۸۸). تئوری شکل خوب شهر، (مترجم: حسین بحرینی). تهران: دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۹۲). سیمای شهر (مترجم: منوچهر مزینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی، (مترجم: فرهاد مرتضایی). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهر تهران.

مردمی، کریم؛ مرادی، اصغر محمد (۱۳۸۷). الزامات ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری. بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، ۱۹(۶)، ۱۱۰-۱۰۵.

مزینی، منوچهر (۱۳۷۵). فرهنگ و زیبایی‌شناسی شهری. فرهنگ عمومی، شماره ۹۰۸؛ قابل دسترسی در:

<http://rasekhoon.net/article/show/195469>

معین، محمد (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی. تهران: دانشگاه تهران.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان محمدرضا؛ خاکسار ندا (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن. هویت شهر، ۴(۷)، ۱۱۳-۱۲۲.

میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. هنرهای زیبا، ۱۹(۱۹)، ۲۹-۳۸.

نصر، طاهره (۱۳۸۳). نگاهی به هویت در معماری. International Road & Structure Monthly Magazine، ۳۱، ۶۹-۷۱.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۶). ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو اسلامی). اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.



هال، استوارت (۱۳۸۲). *رمزگذاری و رمزگشایی*، (مترجم: نیما ملک محمدی). چاپ اول. تهران. همتی، زهرا؛ شبیری، سید محمد (۱۳۹۴). *تحلیلی بر مؤلفه‌های ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی مطالعه موردی: شهروندان شهر شیراز. تحقیقات فرهنگی ایران*، ۸(۴)، ۲۱۵-۱۹۷.

یزدانی، عنایت‌الله؛ مروتی، نادر (۱۳۹۲). *جهانی شدن و چالش‌های فراروی هویت ملی در کشورهای در حال توسعه. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*. ۶، ۲۳-۱.

Alexander, Christopher. (1965). A City is Not a Tree, In: G. Bell & J. Tyrwhitt (Eds.) (1992) *Human Identity in the Urban Environment*, London: Penguin.

Appleyard, D. (1979). *Planning the Pluralistic City*. Cambridge: MIT Press.

Bentley, I.; Alcock, A.; Murrain, P.; McGlynn, S. & Smith, G. (1985). *Responsive Environment: A Manual for Designers*. London: Architectural Press.

Dougherty, D. L. (2006). *Embodying the City: Identity and Use in Urban Public Space*. Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Landscape Architecture.

Jacobs, A. & Appleyard, D. (1987). Towards an Urban Design Manifesto: A Prologue. *Journal of the American Planning Association*, 53, 112-120.

Lalli, M. (1988). Urban Identity. in *Environment Social Psychology*. Dordrecht: Kluwer.

Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*. Cambridge: MIT Press.

Rapaport, A. (1977). *Human Aspect of Urban Form*. Oxford: Pergamon Press.



- Tājik, M. R. (1384 [2005 A.D]). Ravāyat-e gheyriat va huviat dar miān-e Irāniān. Tehrān: Farhang-e goftmān.
- Tumāj Niā, J., & Tāvusi, M. (1385 [2006 A.D]). Naqš-e deraxt-e zendegi dar farš-hā-ye torkaman. Goljām, 4-5, 11-24.
- Xatibi, M. R. (1392 [2013 A.D]). Ta'sir-e moteqābel-e olgu-hā-ye raftāri dar ehyā-ye huviat-e mohit-e šahr (motāle'eh-ye muredi: mahdudeh-ye vorudi-e Sanandaj). Huviat-e šahr, 7(13), 63-73.
- Yazdāni, 'E., & Morovati, N. (1392 [2013 A.D]). Jahāni šodan va čāleš-hā-ye farāru-ye huviat-e meli dar kešvar-hā-ye dar hāl-e tuse'eh. Tahqiqāt-e siāsi va beyn al-melali-e Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi (vāhed-e Šahrezā), 6, 1-23.



- Pākzād, J. (1381 [2002 A.D]). Keyfiat-e fazā. Ābādi, 12(37), 100-111.
- Pākzād, J. (1385 [2006 A.D]). Rāhnamā-ye tarāhi-e fazā-hā-ye šahri dar Irān. Vezārat-e Maskan va Šahrsāzi, Mo'āvenat-e 'Šahrsāzi va Me'māri.
- Pākzād, J. (1386 [2007 A.D]). Maqālāti dar bāb-e mafāhim-e me'māri va tarāhi-e šahri. Tehrān: Šahidi.
- Pur Ja'far, M. R., & Montazer Al-hojah, M. (1390 [2011 A.D]). Nešāneh-hā-ye šahri. Tehrān: Tahān.
- Qarib, F. (1382 [2003 A.D]). Zavābet-e sāmāndehi va me'yār-hā-ye tarāhi-e šahri barāye mabādi-e šahr-hā. Honar-hā-ye zibā, 15(15), 2-41.
- Qotbi, 'A. A. (1387 [2008 A.D]). Mafhum-e huviat va me'māri-e emruz-e Irān. Āyeneh-ye xiāl, 10, 78-83.
- Rabāni, R., et al. (1389 [2010 A.D]). Barresi-e 'avāmel-e sāzandeh bar huviat-e šahr-hā-ye jadid (motāle'eh-ye muredi: Šahr-e Pardis-e Tehrān). Motāle'āt-e meli, 11(3), 101-128.
- Rapaport, A. (1977). Human Aspect of Urban Form. Oxford: Pergamon Press.
- Rāvadrād, A., & Mahmudi, B. (1394 [2015 A.D]). Taxayol-e Tehran: motāle'eh-ye "manzar-e zehni-e šahr" dar sinamā-ye daheh-ye čehel va panjāh-e Irān. Tahqiqāt-e farhangi-e Irān, 8(4), 53-90.
- Safar Nežād, M. (1394 [2015 A.D]). Tarāhi-e me'māri-e markaz-e edāri āmuzeši pažuheši va hefāzati-e mirās-e farhangi-e Šahr-e Rašt dar jahat-e erteqā-ye huviat va afzāyeš-e hes-e ta'aloq-e šahrvandān bā ta'kid bar namād-hā va nešāneh-hā-ye me'māri-e bumi. (Pāyān-nāmeḥ-ye kāršenāsi-e aršad). Dānešgāh-e Gilān, Dāneškadeh-ye Honar va Me'māri, Pardis-e Dānešgāh-e Gilān.
- Šeyx Zeyn Al-din, H. (1374 [1995 A.D]). Me'māri-e Irāni-e dar soxan-e čehār nasl az me'mārān. Ābādi, 5(19), 44-45.
- Šokri, O., Karami Nuri, R., Frāhāni, M. N., & Morādi, 'A. R. (1394 [2015 A.D]). Ravāsāzi-e miān- farhangi-e meqyās-e čandbo'di-e hemāyat-e ejtemā'i-e edrāk-šodeh dar dānešjuān-e Irāni va Su'edi. Tahqiqāt-e farhangi-e Irān, 9(2), 79-100.
- Soltān Zādeh, H. (1372 [1993 A.D]). Fazā-hā-ye vorudi dar me'māri-e sonati-e Irān. Tehrān: Mo'āvenat-e Omur-e Ejtemā'i va Farhangi-e Šahrdāri-e Tehrān.
- Tābān, M., et al. (1391 [2012 A.D]). Huviat va makān, ruykardi padidāršenāsāneh. Huviat-e šahr, 6(10), 79-90.
- Tabasi, M. (1386 [2007 A.D]). Bāziāb-e huviat-e Irāni dar me'māri-e eslāmi-e Irān. Huviat-e Irāni (selseleh maqālāt va goftār-hā-yi pirāmun-e huviat-e Irāni). Tehrān: Sureh-ye Mehr.





- Prologue. *Journal of the American Planning Association*, (53), 112-120.
- Karbālāyi Nuri, R. (1386 [2007 A.D]). Huviat, šahr, xātereh. In majmu'eh maqālāt-e huviat-e šahr-hā-ye jadid. Tehrān: Vezārat-e Maskan va Šahrsāzi, Šerkat-e 'Omrāni-e Šahr-hā-ye jadid.
- Kāvusi, E., & Hoseyn Zādegān, Z. (1389 [2010 A.D]). Hefz-e huviat-e Irāni-eslāmi dar farāyand-e jahāni- šodan. *Motāle'āt-e rāhbordi-e siāsatgozāri-e 'omumi*, 2(3), 37-62.
- Lalli, M. (1988). *Urban Identity*. in *Environment Social Psychology*. Dordrecht: Kluwer.
- Lang, J. (1391 [2012 A.D]). Āfarineš-e nazarieh-ye me'māri, naqš-e 'olum-e raftāri dar tarāhi-e mohit. (Persian translation of *Creating Architectural Theory: the Role of Behavioral*). Translated by: 'Eyni Far, 'A. R. Tehrān: Dānešgāh-e Tehrān.
- Lynch, K. (1388 [2009 A.D]). Te'uri-e šekl-e xub-e šahr. (Persian translation of *A theory of good city form*). Translated by: Bahreyni, H. Tehrān: Dānešgāh-e Tehrān.
- Lynch, K. (1392 [2013 A.D]). Simā-ye šahr. (Persian translation of the *Image of the City*). Translated by: Mozayeni, M. Tehrān: Dānešgāh-e Tehrān.
- Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*. Cambridge: MIT Press.
- Madani Pur, 'A. (1379 [2000 A.D]). Tarāhi-e fazā-ye šahri, negareši bar farāyānd-e ejtemā'i va makāni. Translated by: Mortezāyi, F. Tehrān: Šerkat-e Pardāzeš va Barnāmeš-rizi-e Šahr-e Tehrān.
- Mahdavi Nežād, M. J., Bemāniān, M. R., & Xāksār, N. (1389 [2010 A.D]). Huviat-e me'māri, tabyin-e ma'nā-ye huviat dar dureh-hā-ye pišāmodern, modern va pasāmodern. *Huviat-e šahr*, 4(7), 113-122.
- Mardomi, K., & Morādi, A. M. (1387 [2008 A.D]). Elzāmāt-e arzeš-gožāri beh mirās-e farhangī dar āmuzeš-e me'māri. *Mohandesi (Dānešgāh-e 'Elm va San'at*, 19(6), 105-110.
- Mirmoqtadāyi, M. (1383 [2004 A.D]). Me'yār-hā-ye šenāxt va arzyābi-e huviat-e kālbodi-e šahr-hā. *Honar-hā-ye zibā*, 19, 29-38.
- Mo'in, M. (1378 [1999 A.D]). *Farhang-e fārsi*. Tehrān: Dānešgāh-e Tehrān.
- Mozayeni, M. (1375 [1996 A.D]). *Farhang va zibāyi-šenāsi-e šahri*. *Farhang-e 'omumi*, 8-9, retrieved from: /article/show/195469.
- Naqi Zādeh, M. (1386 [2007 A.D]). *Edrāk-e zibāyi va huviat-e šahr (dar partu-e eslāmi)*. Esfahān: Sāzmān-e Farhangī tafrihi-e šahrdāri-e Esfahān.
- Nasr, T. (1383 [2004 A.D]). *Negāhi beh huviat dar me'māri*. *International Road & Structure Monthly Magazine*, 31, 69-71.

Public Space. Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Landscape Architecture.

- Ebrāhimi, S., & Eslāmi, S. Gh. R. (1389 [2010 A.D]). Me'māri va šahrsāzi-e Irān dar durān-e gozār. *Huviat-e šahr*, 4(6), 3-14.
- Fakuhi, N. (1387 [2008 A.D]). Farhang-e meli, farhang-hā-ye qumi- jamā'ati va bāzār-e eqtesād-e san'ati. *Jāme'eh-šenāsi-e Irān*, 7(1), 126-148.
- Falāh, M. (1392 [2013 A.D]). Ta'sir-e farhang bar me'māri-e bumi, me'māri va šahrsāzi va tuse'eh-ye pāydār. *Mašhad: Mu'aseseh-ye Āmuzeš-e 'Āli-e Xāvarān*.
- Falāhat, M. S., & Nuhi, S. (1391 [2012 A.D]). Māhiat-e nešāneh-hā va naqš-e ān dar erteqā-ye hes-e makān-e fazā-ye me'māri. *Honar-hā-ye zibā, me'māri va šahrsāzi*, 17(1), 17-26.
- Fayāz, E. (1390 [2011 A.D]). Nešāneh-šenāsi-e čašm-andāz-hā-ye farhangi dar joghrāfiā-ye farhangi; rāhbordi mafhumi barāye fahm va kašf-e ma'nā. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 4(4), 91-116.
- Forughi, M. (1390 [2011 A.D]). Barresi-e naqš-e mu'alefeh-hā-ye mohit-e kālodi dar ijād-e hes-e makān barāye tarāhi-e matlub. In majmu'eh maqālāt-e hamāyeš-e meli-e Sāzeh, rāh, me'māri. (Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi, vāhed-e Čālus). Retrieved from: http://www.civilica.com/Paper-CHALOOSCIVIL01-CHALOOSCIVIL01_061.html.
- Golkār, K. (1379 [2000 A.D]). Mu'alefeh-hā-ye sāzandeh-ye keyfiat-e tarāhi-e šahri, *Sofeh*, 32, 38-65.
- Gorji Mahlabān, Y., & Dānešvar, K. (1389 [2010 A.D]). Ta'sir-e eqlim bar šekl-giri-e 'anāsor-e me'māri-e sonati-e Gilān. *Me'māri va šahrsāzi-e ārmān-šahr*, 3(4), 135-145.
- Habib, F., et al. (1391 [2012 A.D]). *Porsemān-e taba'i dar goftemān-e kālodi-e šahr va huviat (yā huviat-e tābe'-e šahr?)*. *Huviat-e šahr*, 2(3), 13-23.
- Hall, S. (1382 [2003 A.D]). *Ramzgozāri va ramzgošāyi*. (Persian translation of *Encoding and Decoding in the Television Discourse*). (1st ed.). Translated by: Malek Mahdi, N. Tehrān: Talxun.
- Hemati, Z., & Šobeyri, S. M. (1394 [2015 A.D]). Tahlili bar mu'alefeh-hā-ye erteqā-ye farhang-e mohit- zisti (motāle'eh-ye muredi: šahrvandān-e Šahr-e Širāz). *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 8(4), 197-215.
- Hojat, 'I. (1384 [2005 A.D]). *Huviat-e ensān-sāz, ensān-e huviat-pardāz (ta'amoli dar rābeteh-ye huviat va me'māri)*. *Honar-hā-ye zibā*, 24, 55-62.
- Jacobs, A.; Appleyard, D. (1987). *Towards an Urban Design Manifesto: A*



Bibliography

- ‘Abās Zādegān, M., & Sarbandi Farāhāni, M. (1391 [2012 A.D]). Kārbast-e bo’d-e ‘amalkardi-e tarāhi-e šahri dar erteqā-ye keyfiat-e fazā-hā-ye sabz va bāz-e mahali. In majmu’eh maqālāt-e dovumin konferāns-e barnāme-rizi va modiriat-e mohit-e zist.
- Alexander, Ch. (1386 [2007 A.D]). Me’ māri va rāz-e jāvdānegi: rāh-e bi zamān-e sāxtan. (Persian translation of the timeless way of building). Translated by: Qayumi Bidhendi, M. Tehrān: Dānešgāh-e Šahid Behešti.
- Alexander, Ch. (1392 [2013 A.D]). Serešt-e nazm. (Persian translation of the phenomenon of life: an essay on the art of building and the nature of the universe). Translated by: Sabri, S., & Akbari, ‘A. Tehrān: Parhām Naqš.
- Alexander, Christopher. (1965). A City is Not a Tree, In: G. Bell & J. Tyrwhitt (Eds.) (1992) Human Identity in the Urban Environment, London: Penguin.
- Appleyard, D. (1979). Planning the Pluralistic City. Cambridge: MIT Press.
- Ardalān, N. (1374 [1995 A.D]). Me’emāri-e Irāni dar soxan-e čehār nasl az me’ mārān. Ābādi, 5(19), 15-18.
- Ātašin Bār, M. (1388 [2009 A.D]). Tadāvom-e huviat dar manzar-e šahri. Bāgh-e nazar, 6(12), 45-56.
- Barzegar, M. R. (1383 [2004 A.D]). Bāzšenāsi-e huviat-e šahri. In majmu’eh maqālāt-e hamāyeš-e mas’el-e šahrsāzi-e Irān (sāxt-e šahri). (1st vol.). Širāz: Dānešgāh-e Širāz.
- Bell, S. (1387 [2008 A.D]). ‘Anāsor-e tarāhi-e basari dar manzar. (Persian translation of Elements of visual design in the landscape). Translated by: Masnavi, M. R. Tehrān: Dānešgāh-e Tehrān.
- Bentley, I. (1390 [2011 A.D]). Mohit-hā-ye pāsox-deh. Ketāt-e rāhnamā-ye tarāhān. (Persian translation of Responsive environments: a manual for designers). Translated by: Behzādfar, M. Tehrān: Dānešgāh-e ‘Elm va San’at.
- Bentley, I.; Alcock, A.; Murrain, P.; McGlynn, S.; Smith, G. (1985). Responsive Environment: A Manual for Designers. London: Architectural Press.
- Dāneš Pur, S. ‘A. (1379 [2000 A.D]). Bāzšenāsi-e mafhum-e huviat dar fazā-ye ‘omumi-e šahr. (Pāyān-nāme-ye doktori). Dānešgāh-e Tehrān, Dāneškadeh-ye Honarhā-ye Zibā.
- Dāneš Pur, S. ‘A., Sepehri Moqadam, M., & Čarxčiān, M. (1388 [2009 A.D]). Tabyin-e model-e “delbastegi beh makān” va Barresi-e ‘anāsor va ab’ād-e moxtalef-e ān. Honar-hā-ye zibā, me’ māri va šahrsāzi, 1(38), 37-48.
- Dehxodā, ‘A. A. (1343 [1964 A.D]). Loghat-nāme. Tehrān: Dānešgāh-e Tehrān
- Dougherty, Dana Lyn (2006). Embodying the City: Identity and Use in Urban



Identify Factors Contributing to the Enhancement of the City's Identity and Increasing Citizens' Sense of Belonging in the Design of Cultural and Administrative Buildings (Case Study: Rasht)

Received Date: February 8, 2016

Accepted Date: May 18, 2016

Mahsa Safarnejhad¹
Amirreza Karimiazeri²
Hamzeh Gholamalizadeh³

Abstract

Identity preservation in the design of the built environment and trying to manifested in today buildings of the most important objectives in architecture, because the most important factor is the transfer of identity among the citizens. However, the process of globalization has reduced the possibility of local identity and has led to a crisis of identity and meaning in contemporary architecture. That its consequences include lack of confidence, lack of belonging to the place and generally psychological shortcomings. Therefore, in this study, we used Descriptive analytic and Exploratory scrolling To find effective variables in promoting identity and increasing citizens' sense of belonging based on library research and using questionnaire. For final confirmation of hypotheses semi-structured interviews with 11 specialists in architecture and urbanism And a survey of 407 citizens from Guilan were conducted. And finally we analyzed w the responses by Spss software And by using the Pearson correlation test, variance and the regression. The relationship between Independent variables extractive and the dependent variable was analyzed and ranked by the theoretical model and design principles. According to the research findings, with permeability, Sensory richness attention to the facades of buildings, Native symbols and signs, Readability in physical form and considering the background in the design, can result in Improvement the identity of the society and increase the citizens' sense of belonging.

Keywords: Identity, Architecture, Upgrade Components of Identity, Sense of place.

1. M. A. Candidate of Architecture, University of Guilan's Campus; mahsa.safarnejad@gmail.com

2. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Arts, University of Guilan (Corresponding Author); amirreza_karimiazeri@guilan.ac.ir.

3. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Arts, University of Guilan; h.gholamalizadeh@guilan.ac.ir



Cultural Research

1

Abstract